

تعامل دیانت و سیاست در ایران

۴



■ موسی نجفی
■ انتشارات موسسه
مطالعات تاریخ معاصر
ایران
■ ۴۰۲ صفحه

موضوع نفوذ غرب و مواجهه علمای شیعه با این امر بحث محوری این کتاب را در قالب ۱۰ گفتار شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد دغدغه اصلی نویسنده «موضوع تهاجم فرهنگی غرب» در تاریخ معاصر ایران است. کتاب عمدتاً بر پایه تحولات تاریخی ایران و بزنگاه‌هایی چون نهضت تحریم تنباکو و جنبش مشروطه است اما اشاراتی نیز به تحولات فکری در عراق و همچنین در سمت شرق مسئله هرات و واکنش علما به این امر شده است.

اندیشه تحریم و خودباوری

۵



■ موسی نجفی
■ انتشارات موسسه
مطالعات تاریخ معاصر
ایران
■ ۲۶۸ صفحه
■ ۱۲ هزار تومان

کتاب در حقیقت تحلیلی بر متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران است. نویسنده به سراغ یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر یعنی «واقعۀ تحریم تنباکو» رفته است. «تحلیل تاریخی قیام تحریم تنباکو» عنوان نخستین فصل کتاب است و سپس به سراغ مبانی و سیر تکوین اندیشه‌های تحریم می‌رود و در فصول پایانی نیز تأثیر تحریم در جنبش مشروطه و نهضت‌های اسلامی معاصر مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران

۶



■ (دین، دولت، تجدد)
■ موسی نجفی
■ انتشارات منیر
■ ۲۸۰ صفحه

کوششی است برای نشان دادن سیر تکوین هویت ایرانی از عهد صفویان، با تأکید بر سه مقوله دین، دولت و تجدد تا نشان دهد چگونه هویت درون عناصر فراخوان شده است. این اثر در سه بخش تنظیم شده که در نخستین بخش آن نویسنده تاریخ تحولات ایران از عهد صفویه تاکنون را روایت می‌کند. بخش دوم تلاشی است تا عناصر مورد اشاره در تاریخ ایران شناسایی شوند و رابطه این عناصر با بستر تاریخی ایران نشان داده شود. سومین بخش نیز به واژه‌شناسی اختصاص دارد.

در تقابل میان اندیشه‌های گوناگون موجود و جهان‌بینی‌هایی که در این مقطع وجود داشت، ما شاهد تضارب آراء هستیم که اگرچه تلاش داشتند بر یکدیگر غلبه کنند تا به گفتمان مسلط مشروطیت مبدل شوند اما در میان همین جدل‌ها خودشان نیز رشد کردند. نویسنده در فصل سوم به موضوع اندیشه سیاسی مشروطه می‌پردازد و می‌کوشد از میانه آثار موجود دیدگاه‌هایی را که می‌توانست به تفکرات آن روز جریان شیعه منجر شود، استخراج و معرفی کند. نویسنده در ضمن تلاش دارد موضوع اصلاح‌طلبی در جنبش مشروطه را مورد بررسی قرار دهد و خط فکر اصلاح‌طلبان این دوره را بر اساس دغدغه‌ها و توصیه‌هایی که در پیش‌برد امر مشروطه داشتند، شناسایی کند. وی معتقد است جریان سکولار مشروطه تلاش داشت اصلاحات موردنظر خود را با شعار نزدیکی به جریان علمای نجف و در واقع استفاده از نفوذ مذهبی ایشان در میان توده مردم عملی کند. شخصیت‌هایی همچون آخوند خراسانی، شیخ عبداللہ مازندرانی و میرزای نائینی برای این جریان مهم تلقی می‌شوند. در مقابل این نظریه، تئوری دیگری نیز هست که می‌گوید جریان اصلی در مشروطیت و در واقع اصلاح‌طلبی حقیقی اسلامی همان جریان مشروعه آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بوده و جریان نجف بعدها به تمام مواضع و تفکرات شیخ رسید. همچنین نویسنده در این فصل به سراغ «سید جمال‌الدین اسدآبادی» و تأثیر اندیشه‌ها و فعالیت‌های وی در شکل‌گیری و گسترش جنبش مشروطه می‌رود.

به سوی تمدن اسلامی

نویسنده در فصل آخر که به نوعی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نیز به شمار می‌رود، سراغ آسیب‌شناسی مشروطیت با نگاه تمدنی می‌رود. اینکه تحولی که امروز به اسم مشروطه می‌شناسیم، چه تأثیری در افق تمدنی زیست ما به جا گذاشت و چگونه ایرانیان با آن مواجه شدند. در میان اندیشه اصلاح‌طلبی غربی ما ناگزیر بودیم مسیر خود را به سوی تجدد طراحی کنیم و این کار را کم‌وبیش مردم و نخبگان جامعه ایران انجام دادند. آنان اگرچه به طور موقت و در نتیجه شکست‌های مشروطه از شناسایی مسیر اصلی بازمانده بودند اما این وضعیت بادوام نبود و امروز می‌توان از بازیابی تمدن اسلامی در عصر مشروطه سخن گفت؛ جایی که این اعتماد به طور تمام عیار میان مردم و روحانیت پدید آمد و آنان محرک تحولات آتی در ایران شدند.

در انتهای این فصل نویسنده بخشی را با

عنوان «نقد مشهورات در نهضت مشروطه ایران» قرار می‌دهد که در قالب آن تلاش دارد روایت‌های از پیش موجود در این رابطه را به چالش بکشد و ذهن خوانندگان و تاریخ‌پژوهان را متوجه کند که ممکن است آن چه تا به امروز در نتیجه برداشت تاریخ‌نگاران پیشین به ما رسیده، حقیقت یا دست‌کم تمام حقیقت نباشد. به این ترتیب لزوم پژوهش‌هایی از این دست را که نگاه متفاوتی به اسناد و گفتمان مشروطه دارند، روشن سازد.



زنگاه مشروطه برهه‌ای از تاریخ ایران است که موضوع اندیشه سیاسی به طور قابل ملاحظه‌ای رشد و نمو می‌کند؛ در تقابل میان اندیشه‌های جهان‌بینی‌هایی که در این مقطع وجود داشت، ما شاهد تضارب آراء هستیم که اگرچه تلاش داشتند بر یکدیگر غلبه کنند تا به گفتمان مسلط مشروطیت مبدل شوند اما در میان همین جدل‌ها خودشان نیز رشد کردند. نویسنده در فصل سوم به موضوع اندیشه سیاسی مشروطه می‌پردازد و می‌کوشد از میانه آثار موجود دیدگاه‌هایی را که می‌توانست به تفکرات آن روز جریان شیعه منجر شود، استخراج و معرفی کند

موضوع ولایت و فقاقت از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. برهه‌ای از تاریخ که به نظر می‌رسد روحانیت شیعه برخلاف سنت تاریخی که تا آن زمان اتخاذ کرده بود، سیاسی می‌شود و به جهت خطراتی که جامعه را به ویژه از بعد فرهنگی و مذهبی تهدید می‌کند، تمایل دارد در روند رویدادهای سیاسی ورود پیدا کند و نسبت به خطرات پیش روی جامعه مسلمانان هشدار دهد.

چیستی مشروطه

اینکه مشروطه در حقیقت چه بود، پرسشی است که پیش روی بسیاری از مورخان معاصر ایران قرار دارد. اینکه یک نهضت، جنبش یا انقلاب بود؟ اینکه تماماً در نتیجه فعالیت نیروهای داخلی به پیش رفت یا سطح خارجی و بین‌المللی حوادث نیز در آن دخیل بود؟ و اینکه کدام گروه اجتماعی در داخل یعنی روشنفکران یا روحانیون محرک آن بودند؟ هنوز پرسش‌هایی است که بسیاری از مورخان بر اساس نوع زاویه ورود به بحث به شیوه خاص خود به آن پاسخ می‌دهند.

دکتر موسی نجفی فصل دوم کتاب را با عنوان «چیستی مشروطه» به رشته تحریر درآورده و منظور وی از پرداختن به این چیستی، روشن کردن جریان برخی از منازعات داخلی است که تأثیری دیرپا بر تاریخ ایران داشته است. نویسنده در مقدمه این بخش به اهمیت بصیرت تاریخی در دستیابی به بصیرت سیاسی بحث می‌کند و معتقد است که نیروهایی می‌توانستند در این مقطع دارای بصیرت باشند و مسیر درست را برای آینده انتخاب کنند که ریشه در تاریخ دارند. همچنین روشن می‌کند که جریان مشروطه چگونه به فرآیند اعتراض مشرووعیت می‌دهد. مردم خسته و بریده از ظلم‌های مکرر برای نخستین بار در گوش حاکمان این اعتراض را فریاد می‌زنند. این اعتراض این بار بین نخبگان و مردم مشترک بود و شاید این نخستین‌بار بود که حقیقتاً در تاریخ به مردم اهمیت داده می‌شد. برگزاری انتخابات برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، به مردم اجازه داده بود که اقدام به انتخاب نماینده کنند و این نمایندگان که پا در میان مردم داشتند باید کنش‌های خود را بر اساس مراعات حال آنان سازمان‌دهی می‌کردند. به این ترتیب افق تازه‌ای پیش روی مردمی گشوده شد که همواره خاموش بودند. با این حال مشروطه خالی از انحراف نبود. به اعتقاد نویسنده «ما در مشروطه خط تاریخ را گم کردیم» به این معنا که تعادل جنبشی که مردمی و اسلامی بود، به هم خورد و در جایی که بصیرت تاریخی از میان رفت، نمی‌توان انتظار حاصل شدن بصیرت سیاسی داشت. به این ترتیب نیروهای خارجی و

هم‌دستان داخلی آن‌ها کاری کردند که هر چه عالمان بزرگ دینی صحبت کردند، مردم با تردید به ایشان نگاه کنند. نتیجه اول این تردید، شهادت شیخ فضل‌الله نوری بود و بعد از مسلط شدن رضاخان که تلاش کرد بسیاری از دستاوردهای مشروطیت را نابود کند.

اندیشه سیاسی مشروطیت

بزنگاه مشروطه برهه‌ای از تاریخ ایران است که موضوع اندیشه سیاسی به طور قابل ملاحظه‌ای رشد و نمو می‌کند؛

